

The Right of Animals to Life from the Perspective of Narrations*

Farideh Asghari^۱

Ahmad Moradkhani^۲

Seyyed Hassan Abidian^۳

Abstract

Animal rights, especially the right to life and the preservation of their generation, are important issues in human societies, and their importance increases due to the role of animals in the survival of a suitable human environment. Sometimes these rights are proposed by some as an expression of the flaws of Islamic law with unscientific and more cultural and political purposes, while the background of legal and practical support for Islam is far ahead of other schools. In this article, by examining the verses, narrations and related jurisprudential texts and by descriptive-analytical method, the arguments of the right to life of animals and their preservation and protection have been explained. The results of the research indicate the comprehensive support of this right by the sharia law and in this research, material support, such as the right to livelihood, nutrition, health, residence, etc. and spiritual support are emphasized and it is one of the honors of Islam to express these rights by Imam Ali (A.S) in the ruling charter.

Keywords: Animal Rights, Animal Right to Life, Physical and Mental Security of Animals, Environment, Preservation of Animal Generation.

*. Date of receiving: ۰۵/۱۰/۲۰۲۱ -Date of approval: ۲۰/۱۲/۲۰۲۱.

۱_ PhD student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. (asghari_۱۱۰@yahoo.com).

۲ Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.(Corresponding Author) (ah_moradkhani@qom-iau.ac.ir orcid.org/۰۰۰۰-۰۰۰۲-۸۳۲۲-۶۱۳۰)

۳- Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran (mhabet۴@yahoo.com.)

مقدمه

توجه و حمایت از حقوق حیوانات از موضوعاتی است که، به شکلی گسترده در میان دولت‌ها، سازمان‌ها، گروه‌های مردم نهاد و حامی حیوانات و افکار عمومی مطرح می‌باشد و بحث از آن رشد فزاینده‌ای یافته است، به گونه‌ای که حمایت قانونی نه تنها در قوانین داخلی کشورهای گوناگون مطرح یا مصوب گشته بلکه در سطح جهانی نیز مورد حمایت قرار گرفته است. از سوی دیگر، برخی در پی متهم ساختن اسلام به نقض حقوق حیوانات می‌باشند و این در حالی است که در منابع اسلامی در چهارده قرن پیشتر، نه تنها اصل حیات حیوانات مورد پذیرش بوده بلکه راه‌های عملی جهت تامین این مهم مورد توجه و تشریع و تاکید قرار گرفته است.

در غرب بحث از حمایت حقوق حیوانات به دو قرن اخیر باز می‌گردد و نخستین بار در سال ۱۸۲۲م، یعنی پس از رنسانس و هم‌زمان با صنعتی شدن جهان، طرح حمایت از حقوق حیوانات در مجلس انگلیس به تصویب رسید و پس از آن، اندک اندک، به شکل‌های گوناگونی در برخی کشورهای اروپایی رشد یافت تا این‌که در پانزدهم اکتبر ۱۹۷۸ م، شورای مرکزی یونسکو در شهر پاریس، خبر از بیانیه‌ای در حمایت از حقوق حیوانات داد و سال‌ها پس از آن، مفادش بازبینی شد و در سال ۱۹۹۰ م منتشر گردید. (شفیعی، ۱۳۷۶: ۷۱).

هرچند در رابطه با حقوق حیوانات کتاب‌ها و مقالات متعددی به رشته تحریر درآمده (ر. ک. حقوق حیوانات در اسلام، مقیمی، ۱۳۸۷) اما حق حیات حیوانات و راه‌های حمایت از آن در منابع اسلامی به ویژه در روایات به صورت دقیق مورد توجه و بررسی قرار نگرفته، لذا در این جستار با روش توصیفی-تحلیلی روایات و آیات مرتبط و گزارش‌های تاریخی، به این پرسش که حق حیات و زندگی حیوانات چیست؟ و چگونه در احکام از آن حمایت می‌شود؟ پاسخ داده می‌شود.

الف. مفهوم‌شناسی

۱-۱. واژه حق، الف در لغت: واژه «حَقٌّ»، مصدر ثلاثی مجرد از باب «حَقَّ، يَحِقُّ» که جمع آن «حُقُوق و حِقَاق» می‌باشد (ابن منظور، ۱۳۶۳: ۴۹/۱۰؛ فیومی، بی‌تا، ۱۴۳/۲). مهم‌ترین معانی آن عبارت است: حق در مقابل و ضد باطل است و (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق: ۶/۳؛ طریحی، ۱۳۶۲: ۱۴۸/۵). امر ثابت و حتمی یا موجود ثابت غیر قابل انکار و استوار (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق: ۶/۳؛ طبرسی، ۱۴۱۸

ق: ۸۸/۱؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ ق: ۱۵/۲). واجب (زمخشری، ۱۹۶۰ م: ۱۳۵)؛ مطابقت با واقع (راغب، ۱۴۲۷ ق: ۲۴۶). از مجموع سخن واژه‌شناسان دو نکته مهم و دو معیار برای شناخت حق به دست می‌آید: نخست: واژه «حق» دو جهت وصفی و اسمی دارد؛ به اعتبار اسم مصدری، معنای آن «ثبوت» و به لحاظ وصفی، معنای آن «ثابت» است (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۲۳). دوم: در مفهوم این کلمه، قید «مطابقت با واقع» اخذ شده است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۲۶۲/۲). و چیزی که مطابق با واقع باشد، در حقیقت، ثبوت آن قطعی و یک امر ثابت، پابرجا، مستحکم و زوال ناپذیر خواهد بود، هرچند غبار انکار، تعصب، لجاجت و یا جهالت، چهره آن را بپوشاند. به نظر می‌رسد مفهوم اصلی حق همان امر دارای ثبوت و مطابق با واقع غیر قابل انکار و موجود ثابت است و سایر معانی به گونه‌ای به این معنای اصلی بر می‌گردند. (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق: ۱۵/۲).

ب. حق در اصطلاح: ۱. در اصطلاح دانش حقوق: حقوق‌دانان این واژه را در اقتدار و قدرت (موحد، ۱۳۸۱: ۴۴)، اختصاص (ابو السعود رمضان و زهران، ۱۹۹۸ م: ۱۸۳). امتیاز و نفع حمایت شده از سوی نظام حقوقی (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۳۷۳؛ موحد، ۱۳۸۱: ۴۴). مصلحت (نبیل سعد، ۱۹۹۵ م: ۱۲۰). و امر اعتباری (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۲۶). به کار برده‌اند. ۲. در اصطلاح فقهی، حق دارای دو معنای عام و خاص است:

در معنای عام خود، به تمامی آنچه که دارای وجهه ثبوت و تحقق هستند، اطلاق می‌شود (بحرالعلوم، ۱۳۶۲: ۳۳/۱). بر این اساس، «حکم، ملک و حق به معنای خاص»، شامل این معنا می‌شوند (خوانساری، ۱۴۱۸ ق: ۱۰۵/۱). زیرا حکم در مقام تشریع، یک امر ثابت است و نیز ملک و مال یا حق برای صاحب ملک و ذی حق، ثبوت دارند. نکته قابل ذکر این است که در این معنای عام، بین حق و حکم و ملک تفاوتی یافت نمی‌شود.

در معنای خاص، حق در مقابل حکم و ملک، است لذا در کلام فقها به معنای سلطنت (کاشف الغطاء، ۱۴۰۲ ق: ۸۶). به معنای نوعی از ملک و مرتبه‌ای از آن (یزدی، ۱۳۷۸: ۵۵/۱ و ۵۸). اعتبار خاص (خراسانی، ۱۴۰۶ ق: ۴). به معنای حکم (خویی، بی‌تا، ۵۲/۲). و معنای مجعول وضعی (صدر، ۱۴۲۷ ق: ۲۲۷/۳). آمده است.

همان‌گونه که به اختصار گذشت، حق در معنای لغوی، اصطلاحی و حقوقی دارای معانی مختلف هستند؛ هر چند این اختلاف ماهوی نیست، علت این تعدد معنا، نبودن تعریف حقیقی به معنای منطقی آن (حد و رسم) می‌باشد، زیرا تعریف حقیقی تنها به ماهیات که دارای جنس و فصل هستند،

اختصاص دارد و نمی‌توان برای امور انتزاعی مانند حق، تعریف حقیقی ارائه نمود. بلکه تعریف‌ها تنها در حد شرح لفظ است. از این جهت می‌توان حق را به «شایستگی داشتن موجودی نسبت به چیزی» معنا نمود. (طالبی، ۱۳۹۳ ش: ۷۲). که در این معنا، واژه حق، بدون در نظر گرفتن قیود قانونی، اخلاقی، فردی یا اجتماعی به صورت مطلق (یعنی حق مطلق) تعریف شده است که معنای مورد نظر ما از حق در این مقاله همین معناست. و بر همین اساس اطلاق واژه «حقوق» در جمله «حقوق حیوان» مسامحه‌ای نبوده و بدون تردید حیوانات صاحب حق هستند؛ و حق به معنای «حق داشتن»، امتیازی است که از سوی شارع به صاحبان حق، بر پایه شایستگی و لیاقت آنها، جعل و تشریع می‌شود. از این رو، شارع مقدس برای حمایت از حقوق حیوانات مقرراتی را در قالب احکام پنج‌گانه وضع کرده و حتی عین واژه «حقوق» در زبان برخی روایات برای حیوانات به کار رفته است. برای نمونه شیخ حر عاملی بابی با عنوان «حقوق الدابة المندوبة والواجبه» را در وسائل الشیعه، اختصاص داده و روایات گوناگونی را در آن نقل کرده است. (عاملی، ۱۴۱۴ ق: ۴۷۸/۱۱). که بر اساس آن تکلیف مالک حیوان و اشخاص دیگر را در برابر حیوان مشخص می‌کند و حقوق حیوان را ثابت می‌کند.

حتی اگر حق به معنای سلطنت باشد، باز بر حقوق حیوانات منطبق است؛ زیرا حیوانات نیز در حد توان‌شان بر برخی از حقوق‌شان سلطه دارند. برای نمونه یک حیوان می‌تواند غذای خود را که حق اوست خودش بخورد و یا به دیگری واگذار کند، یا از کسانی که حق او را ضایع کرده‌اند، انتقام بگیرد یا ببخشد، یا نسبت به کسی که به او محبت کرده، وفادار بماند و به نحوی محبتش را جبران کند. همچنین در اندیشه اسلامی و در معنای اخلاقی نیز، حق بر حقوق حیوان صادق است.

۲-۱. واژه حیات: حیات به معنای عمر، زیست، زندگی، مقابل ممات و زندگانی است: «ویسمی المطر حیا لأن به حیاة الأرض» (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق: ۱۲۲/۲).

۳-۱. واژه حیوان در لغت و اصطلاح: واژه «حیوان» از ریشه «حیاة» گرفته شده به معنای «هر موجود صاحب روح است؛ ناطق باشد یا غیر ناطق. (فیومی، بی‌تا، ۱۶۱/۲). به عبارت دیگر، حیوان به هر مخلوقی گفته می‌شود که صاحب روح و دارای حیات است. بنابراین، حیوان شامل انسان، بهائم و غیر آنها می‌شود و در اصطلاح، اکثراً حیوان به موجود زنده و صاحب روح غیر انسان اطلاق می‌شود که عاقل نیستند (فتح الله، ۱۴۱۵ ق: ۱۷۲). به عبارت دیگر، حیوان مورد بحث در این مقاله، همان حیوان مصطلح، یعنی موجوده زنده غیر انسان است.

۴-۱. واژه روایت: روایت در لغت به معنای حمل: «رُوی البعیر الماء» و در اصطلاح، خبری است



که از طریق نقل به صورت نقل یک راوی از راوی پیش از خود و همین طور تا به پیامبر صلی الله علیه و آله یا امام علیه السلام برسد. (طریحی، ۱۳۶۲: ۱/۱۹۹).

ب. معیار و ملاک برخورداری حیوانات از حقوق

بحث از ملاک برخورداری از حقوق بحث مبسوطی است که مقاله‌ای مستقل می‌طلبد و برخی ملاک و معیار برخورداری حیوانات از حقوق را روح داشتن و عده‌ای قدرت ادراک و احساس داشتن حیوان و برخی دیگر حیوان را از آن جهت که موضوع توجهات اخلاقی قرار می‌گیرد صاحب حق می‌دانند و در مقابل حتی برخی از نویسندگان غربی به طور مستقیم حیوان را کلاً صاحب حق ندانسته و تنها به صورت غیر مستقیم و تنها به اعتبار مالکانشان موضوع حق قرار داده‌اند. (رفیعی طباطبایی، ۱۳۹۹: ۲۰۳). در واقع این افراد چون داشتن حق را مستلزم تکلیف می‌دانند که بر پایه دستور قانون تحقق می‌یابد، و از آن جا که حیوانات نمی‌توانند از قانون و مقتضیات آن آگاه باشند پس مکلف نبوده و با وجود ملازمه بین حق و تکلیف صاحب حق نمی‌باشد. (نبویان، ۱۳۸۹ ش: ۱۷۲). اما از دیدگاه اسلام، با توجه به آیات و روایات تمام موجودات اعم از جمادات، نباتات، حیوانات، و انسان و به طور کلی هر چیزی که بهره‌ای از وجود دارد دارای شعور است و بر همین اساس به تسبیح خداوند مشغول هستند. (حشر، ۱ و ۲۴) و مای موصوله شامل کل هستی ما سوی الله می‌شود و ادعای تلازم و بین حق و تکلیف در اسلام مردود است حتی عقل داشتن هم ملاک حق داشتن نیست بر همین اساس مجانین در اسلام تکلیفی ندارند در حالی که دارای حقوق می‌باشند و طبع ادله بی‌تردید، حیوانات به تناسب خودشان از قوه درک و شعور و اراده بهره‌مند هستند چنانکه در آیات به آن تصریح شده است (انبیاء، ۷۹ و اسراء، ۴۴ و نور، ۴۱). یا در روایت سکونی به نقل از امام صادق علیه السلام از رسول مکرّم صلی الله علیه و آله آمده «لِلدَّابَّةِ عَلَى صَاحِبِهَا سِتُّ خِصَالٍ... وَلَا يَضْرِبُ وَجْهَهَا فَإِنَّهَا تُسَبِّحُ بِحَمْدِ رَبِّهَا...»، (صدوق، ۱۴۰۳، ص ۳۳۰) که در ادامه روایت به صورت کامل خواهد آمد.

ج. حق حیات و زندگانی حیوانات

در اعلامیه جهانی حقوق حیوانات منتشره نهایی در سال ۱۹۹۰م (iranspca.com)، طی ده ماده بطورکلی، خواهان: حق زندگی، احترام، تولید مثل، اجتناب از آزار جسمی و روحی و برخورداری بی‌رحمانه، استمرار قانون برای حفظ و صیانت از آنان و آموزش به شهروندان و کودکان برای رفتار مناسب با آنان است. که در ماده اول از مواد دهگانه اعلامیه به حق زندگانی حیوانات پرداخته و در آن

آمده است: «همه حیوانات مساوی خلق شده‌اند و حتی مساوی برای زندگی دارند». افزون بر ماده اول، چند ماده دیگر این بیانیه نیز، به‌طور غیرمستقیم ناظر به حق حیات حیوانات هستند: «ماده هفت: هر فعل غیر ضروری منجر به مرگ حیوانات و هرگونه تصمیم منجر به چنین عملی به مثابه جنایت علیه حیات است. همچنین بند یک ماده هشت: هرگونه عمل مغایر با بقای گونه‌های حیوانات وحشی و یا هرگونه تصمیمی که منتهی به این امر گردد، کشتار دسته جمعی تلقی نموده است.

در اسلام بر اساس آموزه‌های قرآنی و روایی نه تنها این حقوق مورد پذیرش قرار گرفته بلکه جهت حفظ آن شارع مقدس احکام فقهی خاصی را جعل نموده است، احکامی که فراتر از مواد اعلامیه است. حق حیات و حفظ نسل حتی نسبت به حیوانات وحشی، از اساسی‌ترین حقوق مخلوقات الهی است. خداوند مهربان به حضرت نوح علیه السلام دستور می‌دهد که از هر حیوانی، یک زوج را با خود به کشتی ببرد: (قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ) (هود، ۴۰) بر اساس دیدگاه مفسران فریقین، معنای جمله «من کل زوجین» مطلق بوده و شامل هر نوع حیوانی می‌شود «من کل نوع من الحيوان» (شبر، ۱۳۸۵: ۲۳۱؛ زحیلی، ۲۰۰۶ م: ۱۰۴۲/۲). است و به بیان دیگر از هر جنس حیوان «من کل جنس من أجناس الحيوان» (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۲۲۶/۱۰). جفتی (نر و ماده) را سوار کشتی نماید. دلیل این فرمان این است: همان طوری که بعد از گذشت طوفان، بقای نسل انسان صالح در روی زمین ضروری است، حفظ و بقای نسل حیوانات و اصل نوع حیوان نیز ضرورت دارد (قرطبی، ۱۹۸۵: ۳۴/۹).

در آیه ۳۲ سوره مائده: (مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا) خداوند سبحان، اهمیت زندگانی موجودات را به انسان مثال زده و کشتن یک انسان به‌عنوان یک موجود دارای حق حیات را، مساوی با کشتن همه انسان‌ها می‌داند. زیرا در منابع روایی همین تعبیر در مورد حیوانات به کار برده شده، امیر مؤمنان علی علیه السلام در مورد اداره زندگی حیوانی که مالککش از دادن علوفه خودداری و یا به دلیل ناتوانی مالی رها ساخته و حیاتش در معرض خطر قرار گرفته، تعبیر به «احیا» کرده است: «... فِي الدَّابَّةِ إِذَا سَرَّحَهَا أَهْلُهَا أَوْ عَجَزُوا عَنْ عَافِيَتِهَا أَوْ نَفَقَتِهَا فَهِيَ لِلَّذِي أَحْيَاهَا قَالَ ... وَإِنْ تَرَكَهَا فِي غَيْرِ كَلٍّ وَلَا مَاءٍ فَهِيَ لِمَنْ أَحْيَاهَا». (کلینی، ۱۳۶۳: ۱۴۱/۵). پس همان طور که قتل یک نفر نزد خداوند، به منزله قتل همه‌ی مردم و بی‌اعتنایی به مقام انسانیت و سلب امنیت از همه‌ی مردم است زیرا یک انسان می‌تواند سرچشمه‌ی یک نسل باشد، (قراقرنی، ۱۳۸۸: ۲۸۱/۲). رها کردن حیوان و یا خودداری از تغذیه او نیز سلب زندگی از اوست. و با

الغای خصوصیت، می‌توان استنباط کرد که آثار احیاء انسان در آیه، بر حیات بخشیدن به حیوان، نیز مترتب می‌شود. با حیات بخشی به حیوانی که منشا توالد و تناسل است، زمینه ساز تکثیر نسل او و برگرداندن حق مسلم حیات به این موجود بادرک و شعور، خواهیم بود.

د. راه کارهای عملی حفظ حق حیات حیوانات

تشریع احکام تکلیفی و وضعی برگرفته از آیات و روایات که در ادامه می‌آید از مهم‌ترین راه کارهای حفظ و صیانت از حیات حیوان می‌باشد.

۱. تأمین امنیت جسمانی حیوانات

الف. حق معاش حیوانات: حیوانات همانند دیگر موجودات برای ادامه حیات جسمانی نیازمند به آب و غذا هستند و آیات متعددی از قرآن کریم، خداوند متعال را متکفل روزی حیوانات معرفی کرده است: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا...» (هود/۶)، «وَكَايُنْ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا...» (عنکبوت/۶۰) خداوند خود را رازق روزی جاندارانی می‌داند که قادر به دست آوردن آن نیستند. واژه «دابه» بر هر موجودی که در روی زمین حرکت می‌کند اطلاق می‌شود از این رو، شامل همه حیوانات می‌گردد. (فخر رازی، بی تا، ۱۸۶/۱۷). و آنان برای استمرار حیات، نیاز به تغذیه دارند و خداوند متعال متکفل رساندن روزی به آنهاست (طبرسی، ۱۴۱۵ق: ۲۴۵/۵). در آیات دیگر خداوند دلیل رویاندن زمین و شکافتن دانه‌ها، انگور، سبزی، درخت زیتون، نخل و باغ‌های پر از درخت و میوه و چراگاه را در راستای ادامه زندگی انسان و حیوان بیان کرده است: «وَالْأَرْضُ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا وَالْجِبَالُ أَوْسَاهَا مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ». (نازعات: ۳۰-۳۳) و «ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا وَعِنَبًا وَقَضْبًا وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا وَحَدَائِقَ غُلْبًا وَفَاكِهَةً وَأَبًّا مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ». (عبس: ۲۶-۳۲) و نکته مهم این است که خداوند انسان و چهارپایان را در کنار هم و به دنبال هم، لایق بهره‌وری از نعمت‌های خویش می‌داند و این نکته، نشان‌گر اهتمام خداوند تبارک و تعالی، برای داشتن حق زندگی این موجودات که مبتنی بر استفاده از رزق و روزی خداوندی است، می‌باشد. که بر اساس روایات حضرات معصومان علیهم‌السلام، این حق در ابتدا بر عهده مالک است و پس از آن سایرین از مردم عادی تا مقامات حکومتی نسبت به تغذیه حیوانات تکلیف دارند.

در روایات نیز به این امر تصریح شده است: که به منظور رعایت اختصار به چند مورد اشاره می‌شود ۱. سکونی، امام صادق علیه‌السلام از پدارنش از امیرمؤمنان علیه‌السلام روایت کرده که رسول خدا صلی

الله علیه وآله فرموده است: «لِلدَّابَّةِ عَلَى صَاحِبِهَا سِتُّ خِصَالٍ يَبْدَأُ بِعَلْفِهَا إِذَا نَزَلَ وَ يَعْزِضُ عَلَيْهَا الْمَاءَ إِذَا مَرَّ...» (صدوق، ۱۴۰۳ق: ۳۳). دادن آب و علف به عنوان اولین کار بعد از پایین آمدن از حیوان. ۲. مسعودی در وصایای امام سجاد علیه السلام می نویسد: «یکی از گفتار ایشان در باره ناقه اش این بود، با او به نیکی رفتار و علوفه اش فراهم شود.» (مسعودی، ۱۳۸۴: ۱۷۴). ۳. سیوطی در جامع الاحادیث نقل می کند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «هرگاه هنگام سفر از سرزمین سرسبزی که علف خوب دارد، عبور می کنید، شتران را از زمین، بهره مند سازید (و بگذارید که حیوانات بچرند و سیر شوند.» (سیوطی، ۲۲۰/۱).

فقههای اسلام نیز بر اساس ادله که عمده دلیل آن روایات است، نفقه حیوانات را بر مالک واجب می دانند (حلی محقق، ۱۴۰۷: ۱۹۶؛ فاضل آبی، ۱۴۰۸ق: ۲/۲۰۴). و در وجوب آن علماء اختلافی ندارند. (عاملی، ۱۴۱۳: ۴۹۱/۱). نکته مهم این است که در وجوب نفقه، تفاوتی در حلال و حرام بودن گوشت حیوان، بهره بردن یا نبردن مالک از حیوان، نیست، همین که مملوک او محسوب می شود، نفقه او به اندازه نیازش واجب است. (حلی، ۱۴۱۳ق: ۳/۱۱۸). شیخ طوسی دلیل وجوب و لزوم نفقه حیوان را حرمت و احترام او می داند و می گوید: «لأن لها حرمة». (طوسی، ۱۳۸۷: ۶/۴۷). و (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ۸/۴۹۷). و برخی از فقههای اهل سنت همانند شربینی و ابن سمعون بغدادی و برخی دیگر، تصریح دارند بر این که حیوان روح دارد و صاحب روح دارای حرمت و احترام هستند، نفقه آنها بر مالک واجب است. (شربینی، ۱۴۱۵ق: ۲/۱۴۲؛ ابن سمعون بغدادی، بی تا، ۳۲۴/۱).

ب. رعایت بهداشت در تغذیه حیوان: برای پاسداری از سلامت جسمی و حفظ حرمت روح و احترام به حیوان اقتضا می نماید که انسان برای حیوانات تحت تملک خود، آب و غذای سالم و بهداشتی و حلال برای تغذیه حیوان تهیه کند. نوشاندن آب و خوراندن غذای نجس به حیوانات به معنای نادیده گرفتن حقوق حیوان بوده و حرام می باشد. در روایت امیر مؤمنان علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می نماید: «نَهَى أَنْ يُؤَلَّ الرَّجُلُ فِي الْمَاءِ الْجَارِي إِلَّا مِنْ ضَرُورَةٍ وَقَالَ إِنَّ لِلْمَاءِ أَهْلًا. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از ادرار در آب جاری، به دلیل وجود موجودات آبی، نهی فرمودند. (طوسی، ۱۳۶۳: ۱۳/۱). در روایت دیگر امیر مؤمنان علیه السلام می فرمایند: «الْمَاءُ لَهُ سُكَّانٌ فَلَا تُؤْذُوهُمْ بِبَوْلٍ وَلَا غَائِطٍ؛ آب ساکنانی دارد، آنها را با ادرار و مدفوع آزار ندهید.» (أحسنانی، ۱۴۰۴: ۲/۱۸۷). تغذیه حلال و پاک، آن قدر مورد توجه و تاکید است که متولیان دینی حتی نسبت به پاک کردن جو برای اسب از دانه های هرز و سنگ ریزه، سفارش نیز سفارش کرده اند و برای آن بشارت به حسنه داده اند: در روایت فریقین از

رسول مکرم ﷺ آمده است: «مَنْ نَقَى شَعِيرًا لِفَرَسِهِ، ثُمَّ قَامَ بِهِ حَتَّى يَغْلِفَهُ عَلَيْهِ، كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ بِكُلِّ شَعِيرَةٍ حَسَنَةً». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۷/۶۱؛ طبرانی، ۱۴۱۵ق: ۳۰/۲؛ ابن عساکر، ۱۹۹۵م: ۲۴۲/۱۸). وقتی برای تغذیه حیوان سفارش به جدا کردن سنگ ریزه غذای او شده، به طریق اولی نوشاندن نجاسات و مسکرات که برای جسم حیوان ضرر و به روح او که حرمت و احترام دارد، لطمه می‌زند، جایز نیست.

ج. رعایت بهداشت در مسکن حیوانات: رعایت بهداشت آسایشگاه‌های حیوانات یکی از راه‌های حمایت از حق حیات آنان است. مرحوم کلینی با سند صحیح از امام صادق علیه السلام نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره محل نگهداری گوسفندان فرمود: «نَظَّفُوا مَرَابِضَهَا وَامْسَحُوا رُغَامَهَا». محل زندگی گوسفندان را تمیز کنید و آب بینی صورت شان را پاک کنید. (یا گرد و خاک را از محل زندگی شان پاک نمایید)، (کلینی، ۱۳۶۳: ۵۴۴/۶). برای کلمه «رغام» دو معنا ذکر شده است، یکی به معنای آب بینی و دیگری به معنای تراب و خاک. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۵۰/۶۱). علامه مجلسی در کتاب حلیۃ المتقین می‌آورد: خوابگاه گوسفندان را پاکیزه و خاک را از بدن شان پاک کنید. خاکی شدن بدن حیوان ممکن است در بیرون از محل استراحت‌گاه و یا در اثر خاکی بودن محل نگهداری صورت بگیرد و این یک نوع پیش‌گیری از گرد و خاکی شدن بدن حیوان و برای حفظ سلامت و احترام به زندگی اوست. (مجلسی، بی‌تا، ص ۲۰۸). حتی احمد بن محمد بن خالد برقی در ادامه روایت علت نظافت را، بهشتی بودن این حیوانات می‌داند: «فإنهن من دواب الجنة» (برقی، ۱۳۷۰: ۶۴۱/۲). اگر این واژه به معنای دوم یعنی پاک کردن خاک از محل زندگی آنان باشد، می‌توان گفت برای تأکید جمله نخست روایت است؛ یعنی نظافت مسکن و محل زندگی حیوان بیان شده. این روایت را محدثان اهل سنت (صنعانی، ۱۴۰۳: ۴۰۹/۱). و برخی دیگر نیز از طرق متعدد نقل کرده‌اند.

د. رسیدگی به درمان حیوان: از مصادیق اهتمام به حق زندگی حیوانات، اقدام به درمان آنها می‌باشد که در مصادر شیعه و اهل سنت وارد شده است: چنان‌که کلینی روایتی را از امیرالمؤمنین علیه السلام ذکر می‌کنند که برای عدم ضمانت پزشک و بیطار (دامپزشک) اخذ برائت قبل از شروع درمان لازم است و این امر دلالت بر مفروغ‌عنه بودن لزوم درمان حیوانات دارد: «السَّكُونِي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع مَنْ تَطَبَّبَ أَوْ تَبَيَّرَ فَلْيَأْخُذْ الْبَرَاءَةَ مِنْ وَلِيهِ وَإِلَّا فَهُوَ لَهُ ضَامِنٌ» «هر کس طبابت یا بیطاری می‌کند از مریض (اگر انسان باشد) و مالک حیوان برائت بگیرد و الا ضامن خواهد بود»، (کلینی، ۱۳۶۳: ۳۶۴/۷). و صنعانی نیز با همین مضمون حدیثی را از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند:

«عن الضحاک بن مزاحم قال خَطَبَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ النَّاسَ فَقَالَ...» (صنعانی، ۱۴۰۳: ۴۷۱/۹).
در دسته دیگر از روایات از جمله وظایف سرپرستی اموال یتیم، معالجه حیوانات او ذکر شده است:
«حنان بن سدير قال: قال أبو عبد الله (عليه السلام) سألني عيسى بن موسى عن القيم للأيتام في الإبل وما يحل له منها؟ فقلت... وهنا جرباها (أي عالج جرب إبله بالقطران)...» (كليني، ۱۳۶۳: ۱۳۰/۵). و بیهقی
نیز در سنن الکبری نیز به این مضمون آورده (بیهقی، ۱۴۱۴: ۴/۶).

۲. حمایت از تولید مثل و نهی از عقیم کردن حیوانات

تولید مثل، در بقاء و استمرار نسل هر موجود زنده‌ای از جمله حیوانات نقش اساسی دارد. که نوعی حفظ حیات نسل است، از این جهت خداوند در نسل هر موجودی دو جنس نر و ماده را قرارداده و می‌فرماید: وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (ذاریات/۴۹) این سنت خداوند برای تولید، تکثیر و استمرار حیات موجودات است و حیوانات نیز از این قاعده مستثنا نیستند. در حدیثی از امیرالمؤمنین (عليه السلام) آمده است: «لَيْسَ فِي الْإِسْلَامِ إِخْصَاءٌ. در اسلام اخصاء نیست» (ابن اشعث، بی‌تا، ۸۰). همچنین در روایت دیگری آمده: «قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام) إِنَّ رَجُلًا مِنْ نَجْرَانَ كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) فِي غَزَاةٍ وَ مَعَهُ فَرَسٌ وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَسْتَأْنِسُ إِلَى صَهِيلِهِ فَقَدَهُ فَبَعَثَ إِلَيْهِ فَقَالَ مَا فَعَلَ فَرَسُكَ فَقَالَ اشْتَدَّ عَلَيَّ شَغْبُهُ فَخَصَيْتُهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مَثَلْتُ بِهِ مَثَلْتُ بِهِ الْخَيْلَ مَعْقُودٌ فِي نَوَاصِيهَا الْخَيْرُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ أَهْلُهَا مُعَاوُنُونَ عَلَيْهَا أَعْرَافُهَا وَقَارُهَا وَ نَوَاصِيهَا جَمَالُهَا وَ أَذْنَابُهَا مَذَابُهَا». «امیر مؤمنان فرمود: مردی از نجران در جنگی همراه رسول خدا (صلى الله عليه وآله) حضور داشت. اسبی داشت که آن حضرت با شیهه آن انس گرفته بود، اما مدتی آن مرد و اسبش را ندید، کسی را سراغ او فرستاد، وقتی آمد، رسول خدا (صلى الله عليه وآله) پرسید: با اسب خود چه کردی؟ مرد گفت: عصبانی شدم و اسب را آخته کردم! رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمود: چرا آن حیوان را «مثله» و عضو بریده کردی؟ در پیشانی اسب، خیر و نیکی نوشته شده تا روز قیامت، و کسانی که اسب دارند باید اصالت و پیشانی و نسل و ساق پا و زیبایی آن را حفظ کنند» (راوندی، ۱۳۷۷: ۳۴). در منابع روایی اهل سنت نیز احادیث متعددی در نهی از عقیم کردن حیوانات وارد شده چنان‌که جمله «لَا إِخْصَاءَ فِي الْإِسْلَامِ» از پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله) در سنن کبری بیهقی نقل شده و البانی که از وی به بخاری دوران تعبیر می‌کنند این روایت را تصحیح کرده است (بیهقی، ۱۴۱۴: ۴۱/۱۰؛ البانی، ۱۴۲۳: ۱۲۰۳/۲).

۳. از نظر اسلام

صید بی‌رویه و هم‌چنین کشتار بیش از حد نیاز حیوانات، مورد نهی واقع شده است، قرآن کریم در آیه ۲۰۵ سوره بقره، می‌فرماید: (وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يَحِبُّ الْفُسَادَ) اگر زمانی یک عده (منافقان که شان نزول آیه درباره آنان است) به قدرت برسند، در زمین فساد می‌کنند، کشتزارها یعنی محیط زیست و نسل را که شامل نسل انسان و حیوان می‌شود، نابود می‌کنند. در این‌که چه چیزی سبب نابودی حرث و نسل می‌شود، می‌تواند این نابودی محیط زیست باشد که نابودی کشتزارها با احراق، و هلاکت نسل انسان و حیوان با کشتار و صید تحقق یابد (ابن جوزی، ۱۴۰۴ ق: ۲۰۱/۱). و یا مقصود از «زرع»، تمام مصالح اقتصادی همانند زراعت، صناعت مواد اولیه و همه آنچه مربوط به حیات و معیشت انسان است، باشد و مقصود از «نسل» همه موجوداتی که روی زمین راه می‌روند (مغنیة، ۱۹۸۱: ۳۰۹/۱). و یا اینکه آیه درصدد بیان این نکته باشد که فساد حرث و نسل و اهلاك نبات و حیوان، فساد بزرگی است و فساد بزرگ‌تر از آن نیست (فخر رازی، بی‌تا، ۲۲۰/۵). بنابراین آیه مبارکه هم شامل حرمت تخریب، افساد و نابودی محیط زیست و هم شامل حرمت نابودی نسل حیوانات از راه کشتار و صید می‌شود. در روایت محمد بن مسلم با سند صحیح از امام باقر علیه السلام نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از تناول گوشت الاغ اهلی به منظور پیش‌گیری از انقراض نسل آنان نهی فرمود: «... مَخَافَةَ أَنْ يَفْنَوْهَا وَ لَيْسَتْ الْحَمِيرُ بِحَرَامٍ ثُمَّ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ (قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ ...)» (مجلسی، ۱۴۰۶ ق: ۴۴۸/۷؛ صدوق، ۱۳۸۵ ق: ۵۶۳/۲). همین مضمون از امام رضا علیه السلام نیز در پاسخ به محمد بن سنان نقل شده است که دلیل نهی از ذبح و خوردن گوشت آنها حرام بودنشان نیست بلکه برای جلوگیری از فنا و نابودی نسلشان است. (صدوق، ۱۳۸۵ ق: ۵۶۳/۲). پس کشتار و صید بی‌رویه که باعث انقراض نسل حیوان خواهد شد جایز نبوده و باید جلوی آن را گرفته‌شود. البته این روایات هرچند صریح در صید نیستند و یا این‌که متعلق نهی فقط یک نوع حیوان است، ولی از بیان علت نهی از خوردن گوشت الاغ «مَخَافَةَ أَنْ يَفْنَوْهَا، وَالْخَوْفُ مِنْ فَنَائِهَا» نهی از کشتن و صید بی‌رویه را می‌توان استفاده کرد و حکم را تعمیم داد. (حمیری، ۱۴۱۳: ۲۷۵).

۴. منع از تحریش (به جنگ هم انداختن حیوانات)

یکی از اموری که زندگی حیوانات را مورد تهدید قرار می‌دهد و در اسلام، مورد نهی واقع شده،

جنگ اندازی بین حیوانات است (حلی، ۱۴۰۵: ۳۹۷). در دو روایت به سند موثق از مسمع و از ابوالعباس از امام صادق علیه السلام آمده: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ التَّحْرِيشِ بَيْنَ الْبَهَائِمِ فَقَالَ أَكْرَهَ ذَلِكَ إِلَّا الْكَلَابَ». «از امام صادق علیه السلام در باره به جنگ واداشتن بین حیوانات پرسیدم ایشان فرمود: همه آنها را مکروه می دارم جز در مورد سگان.» (کلینی، ۱۳۶۳: ۵۵۴/۶؛ برقی، ۱۳۷۰: ۶۲۸/۲). البته مرحوم کلینی در پاورقی می گوید: فرق ندارد که حیوان همجنس باشند و یا نوع متفاوت مثل جنگ انداختن بین گاو و شیر. سند این دو روایت را محمدتقی و علامه مجلسی (مجلسی، ۱۴۰۶: ۵۰۰/۷؛ مجلسی، ۱۳۶۳: ۴۷۷/۲۲). موثق می دانند. علامه مجلسی می گوید: روایات هرچند با لفظ کراهت وارد شده ولی کراهت در عرف اخبار، اعم از حرمت و کراهت است؛ اما ایشان دلالت این روایات را بر تحریم تحریش از نکته دیگر استفاده کرده و آن این که عمل تحریش و جنگ انداختن بین حیوانات یک عمل لہوی، بی فائده و ضرر زدن به حیوانات است که هیچ مصلحتی در آن وجود ندارد از این جهت می توان به تحریم آن قائل شد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲۷/۶۱؛ شوکانی، ۱۹۷۳: ۲۵۰/۷).

۵. تقدم حفظ حیات حیوان بر برخی واجبات

در فقه اسلامی حمایت از حیات حیوانات، همانند حمایت از حیات انسان یک اصل فقهی- حقوقی است (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱۱۷/۱۲؛ نووی، بی تا، ۴۸/۹؛ شربینی، ۱۴۱۵: ۳۰۸/۴). به گونه ای که بر برخی واجبات مقدم شده که برای نمونه مواردی بیان می گردد:

الف. تقدم سیراب کردن حیوان با آب وضو بر وضوگرفتن؛ در صحیح ابن سنان از امام صادق علیه السلام آمده است: امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مشغول وضو بودند. در این هنگام گربه ای خانگی به آن حضرت پناه آورد. ایشان پی بردند که این گربه تشنه است: «فَأَصْغَى إِلَيْهِ الْإِنَاءَ حَتَّى شَرِبَ مِنْهُ الْهَرُّ ثُمَّ تَوَضَّأَ بِفَضْلِهِ». «حضرت ظرف ابی را که با آن وضو می ساختند به طرف گربه نزدیک برد و گربه از آب نوشید سپس پیامبر با باقیمانده آب وضو ساختند» (راوندی، ۱۳۷۷: ۱۸۷).

ب. نماز بعنوان مهم ترین واجب اسلامی، در هیچ صورتی نباید ترک شود، اما گاهی به دلیل برخی شرایط به تاخیر می افتد یا حتی به دلیل مصلحت مهم تری قطع می شود. که یکی از موارد قطع نماز جایی است که جان حیوانی در آستانه گم شدن و تلف باشد. در موثقه سماعه از امام صادق علیه السلام شخصی سؤال کرد: «قُلْتُ فَيَكُونُ فِي الْفَرِيضَةِ فَتَقَلَّتْ عَلَيْهِ دَابَّةٌ أَوْ تَقَلَّتْ دَابَّتُهُ فَيَخَافُ أَنْ تَذْهَبَ . . فَقَالَ لَا بَأْسَ بِأَنْ يَقْطَعَ صَلَاتُهُ». «گفتم: اگر شخص در حال نماز باشد و ببیند حیوانی رم کرده به سوی او



می‌تازد، یا ببیند حیوان خودش گریخته و امکان دارد گم شود، تکلیف او چیست؟ حضرت فرمود: مانعی ندارد که نمازش را قطع کند. «، (مجلسی، ۱۳۶۳: ۲۴۲/۱۵). ج. افطار روزه برای نجات انسان یا حیوان از غرق شدن خطیب شربینی، یکی از علمای شافعی مذهب می‌گوید: «یلحق . . . من أظفر لانتفاذ آدمی معصوم أو حیوان محترم مشرف علی الهلاک بغرق أو غیره فیجب علیه الفطر إذا لم یمكنه تخلیصه إلا بفطره» (شرینی، ۱۴۱۵ ق: ۲۲۴/۱).

۶. واجب کفایی بودن رسیدگی به امور حیوانات

بחיث حفظ حیات حیوانات بقدری مورد اهتمام است که حتی برای حیوانات گم شده امیر مؤمنان (علیه السلام) محلی را برای حیواناتی که پیدا می‌شدند، بنا کرده بود و علوفه حیوانات را از بیت‌المال تأمین می‌نمود و چنان‌چه شخصی مدرک و نشانه دال بر مالکیت حیوانی را داشت، آن حیوان به او تحویل می‌دادند و در غیر این صورت حیوان در این محل باقی می‌ماند. «وعن أمير المؤمنين (علیه السلام)، أنه كان بنی للضوال مریدا، فکان یعلفها، لایسمنها و لایهزلها، ویعلفها من بیت‌المال فکانت تشرف بأعناقها، فمن أقام بینة علی شیء منها أخذها، وإلا أقرها علی حالها لا یبیعها» (بروجردی، ۱۳۹۹: ۵۱۲/۱۸). با توجه به روایت فوق می‌توان ادعا نمود که ایجاد اولین پناهگاه حیوانات بی‌سرپرست و گم شده توسط امیر مؤمنان علی (علیه السلام) بنانهاده شده و این امر چنان از اهمیت برخوردار است که امام (علیه السلام) در اولین خطبه خلافت خویش که منشور خلافت و حکمرانی اسلامی است، مسئولیت حفظ و نگهداری از جان حیوانات را در کنار مسئولیت انسان در برابر هم‌نوعان و شهرها قرار داده و خواستار رعایت تقوای الهی در این زمینه است: «اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَبِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبَقَاعِ وَالْبَهَائِمِ» (سید رضی، ۱۳۸۷ ق: ۲۴۲). پس مشارکت مردم در مسئولیت در برابر شهرها، بقعه‌ها و حیوانات، از امتیازات اسلام است که اجرایی کردن این مسئولیت نیازمند رعایت احکام و قوانینی است که در حمایت از حیوان وضع می‌گردد. (عاملی، ۱۴۳۰ ق: ۶۴/۲۰).

۷. تأمین امنیت روانی حیوانات

حیات انسان و حیوانات تنها در گرو رعایت حقوق مربوط به تمامیت جسمی آنان نیست بلکه تأمین امنیت روانی اهمیت بالاتری دارد زیرا انسان‌ها و حیوانات در داشتن روح و درک و شعور مشترکند. همان‌گونه که دشنام دادن و لعن و نفرین و به کار بردن الفاظی که بوی توهین و تحقیر از آن استشمام می‌شود برای هیچ انسانی خوشایند نیست و عملی زشت و قبیح شمرده می‌شود، حیوانات نیز

مورد توهین و اذیت روحی قرار گیرند؛ امام صادق علیه السلام یکی از حقوق حیوانات را دشنام ندادن به آنها شمرده‌اند: «لِلدَّابَّةِ عَلَى صَاحِبِهَا سِتَّةُ حُقُوقٍ . . وَلَا يَشْتُمُهَا» (کلینی، ۱۳۶۳: ۵۳۷/۶؛ طوسی، ۱۳۶۴: ۱۶۴/۶). و امیرمؤمنان علیه السلام دشنام بهائم را مکروه دانسته «وَكَانَ عَلَى عليه السلام يَكْرَهُ سَبَّ الْبَهَائِمِ. (مغربی، ۱۹۶۳: ۳۴۸/۱).

همچنین امام صادق علیه السلام از امیرمؤمنان علیه السلام نقل فرمودند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از دشنام دادن به خروس نهی کرده و فرمودند: خروس انسان را برای نماز بیدار می‌کند. «وَنَهَى عَنْ سَبِّ الدِّيكِ وَقَالَ إِنَّهُ يَوْقُظُ لِلصَّلَاةِ» (صدوق، بی تا، ۵/۴). در منابع اهل سنت نیز حمیدی همین روایت را نقل نموده است. (حمیدی، ۱۹۹۶م: ۵۹/۲).

حضرت در سال ۳۶ هجری در نامه ۲۵ نهج البلاغه به کارگزاران دریافت زکات می‌نویسد: «فَلَا تَدْخُلْهَا دُخُولٌ مُتَسَلِّطٌ عَلَيْهِ وَلَا عَنِيفٌ بِهِ...» در ورود به محل حیوانات با حالت سلطه و خشونت وارد نشود. و از این طریق، امنیت روحی را در برخورد با حیوانات ایجاد نموده است. همچنین حضرت در ادامه نامه خواستار انتخاب چوپانی خیرخواه، مهربان، امین و حافظ برای همراهی آنان می‌شود تا دستورات مهربانانه و نگاه همه جانبه حضرت در مورد رعایت حق حیوانات، را جامه عمل بپوشاند. و در تذکری صریح برای صیانت از آرامش روانی حیوانات دستور می‌دهند که از جدائی بین ماده شتر و فرزند شیرخوارش خودداری شود و آن‌چنان او را ندوشند که شیر اندکی بماند و فرزندش گرسنه بماند و صدمه ببیند. حتی حضرت این کار را از موجبات قرب الهی می‌داند و برای این رفتار، بشارت اجر معنوی می‌دهد. (سید رضی، ۱۳۸۷ ق: ۲۴۲).

نتیجه‌گیری

برآمد حاصله از تحقیق حاضر به شرح ذیل می‌باشد:

۱. مراد از مفهوم حق در حقوق حیوانات، به معنای شایستگی داشتن موجودی نسبت به چیزی بدون توجه به قیود خاص حقوقی، اخلاقی و غیره می‌باشد که حق داشتن حیوان در این تعریف می‌گنجد. حق به معنای سلطه و سلطنت نیز بر حقوق حیوانات قابل تطبیق است.
۲. بر اساس معیارهای برخورداری از حقوق، حیوانات دارای آن معیار لازم می‌باشند به خصوص در اسلام که بر داشتن روح و ادراک تاکید شده است.
۳. گرچه در اعلامیه جهانی حقوق حیوانات به برخی از حقوق تصریح شده ولیکن به‌صورت مدون



و همراه با بیان ضمانت اجرای مناسب اشاره نشده در حالی که در شریعت اسلامی احکام آن بیان گردیده حتی در منشور حکمرانی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مورد تاکید قرار گرفته است. تامین اقامتگاه حیوانات گمشده و بی سرپرست گواه اهمیت آن است.

۴. در شرع مقدس اسلام نه تنها به تامین امنیت جسمانی حیوانات دستور داده شده است بلکه حقوقی تحت عنوان حق معاش، تغذیه حلال و سالم، بهداشت اقامتگاه، دارو و درمان و غیره به عنوان واجب عینی یا کفایی بر مردم و حکومت تعیین گردیده است.

۵. حفظ نسل حیوانات و منع از صید بی رویه و انقراض نسل طبق احکام الزام آور مورد توجه قرار گرفته و حتی تحریش در صورت لغو و لعب بودن و سرگرمی حرام و ممنوع شده است.

۶. در فقه اسلامی در موضوعات مختلفی حفظ حیات حیوان مقدم بر سایر امورگشته حتی اموری عبادی و حفظ اموال که این امر کاشف از مصلحت شدید و اقوی در حفظ حیات و زندگی حیوانات دارد.

فهرست منابع

۱. ترجمه قرآن، رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران، نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، قم: دار الذکر، ۱۳۸۴ ش.
۲. ابن اشعث، محمد بن محمد، الجعفریات (الأشعثیات)، تهران: مكتبة النینوی الحديثة، بی تا.
۳. ابن جوزی، ابوالفرج، عبدالرحمن، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت: المکتب الإسلامی، چاپ سوم، ۱۴۰۴ ق.
۴. ابن عساکر، علی بن الحسن، تاریخ مدینة دمشق وذكر فضلها وتسمية من حلها من الأماثل، تحقیق: عمر بن غرامة العمری، بیروت: دارالفکر، ۱۹۹۵ م.
۵. ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، محقق و مصحح: هارون، عبدالسلام محمد، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، قم: نشر أدب حوزه، ۱۴۰۵ ق - ۱۳۶۳ ش.
۷. بحر العلوم، السید محمد، بلغة الفقیه، تحقیق: محمد تقی آل بحر العلوم، تهران: منشورات مکتبة الصادق، چاپ الرابعة، ۱۳۶۲ ش.
۸. برقی، أحمد بن محمد، المحاسن، تصحیح و تعلیق: سید جلال الدین حسینی، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۰ ش - ۱۳۳۰ ش.
۹. بغدادی، محمد بن أحمد، أمالی ابن سمعون (الجامع الكبير)، بی تا، بی نا، بی تا.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، حق و تکلیف در اسلام، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۵ ش.
۱۱. حلی، أحمد بن محمد بن فهد، المذهب البارع فی شرح المختصر النافع، تحقیق: مجتبی عراقی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۱۲. حلی، حسن بن یوسف، تحریر الأحکام الشرعية علی مذهب الإمامية، تحقیق: شیخ إبراهيم بهادری، قم: مؤسسة الإمام الصادق (ع)، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
۱۳. حلی، حسن بن یوسف، قواعد الأحکام فی معرفة الحلال والحرام، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۱۴. حلی، حسن بن یوسف، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.



۱۵. حلی، یحیی بن سعید، الجامع للشرایع، تحقیق: گروهی از فضلا، مؤسسة سیدالشهداء علیه السلام، قم: المطبعة العلمية، ۱۴۰۵ق.
۱۶. حلی، یحیی بن سعید، نزهة الناظر فی الجمع بین الأشباه والنظائر، تحقیق: سید احمد حسینی، نور الدین واعظی، نجف: آآداب، ۱۳۸۶ق.
۱۷. حمیری، عبدالله بن جعفر (المتوفی ۳۰۴ق)، قرب الاسناد، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، چاپخانه مهر - قم: چاپ الأولى، ۱۴۱۳ق.
۱۸. خراسانی، محمد کاظم، حاشیة المکاسب، تحقیق: سید مهدی شمس الدین، ایران: وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
۱۹. خوانساری، موسی بن محمد، منیة الطالب فی شرح المکاسب، تقریرات المحقق المیرزا محمد حسین النائینی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، چاپ الأولى، ۱۴۱۸ق.
۲۰. خوئی، السید ابوالقاسم، مصباح الفقاهة، قم: مكتبة الداوری، چاپخانه: العلمية - قم: الطبعة الأولى المحققة، بی تا.
۲۱. راغب الإصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، ناشر: طلیعة النور، چاپخانه: سلیمانزاده، چاپ الثانية، ۱۴۲۷ق.
۲۲. راوندی، فضل الله، النوادر، تحقیق: سعید رضا علی عسکری، قم: مؤسسة دارالحديث، چاپ اول، ۱۳۷۷ش.
۲۳. رفیعی طباطبایی، سید حسام الدین، بررسی مبانی حقوق حیوانات در پرتو فقه و رویکردهای فلسفی، پژوهش‌نامه فارس، دوره سوم، شماره ششم، ص ۱۹۴-۲۰۶، بهار و تابستان ۱۳۹۹ش.
۲۴. رمضان محمد ابوالسعود و زهران، مبادئ القانون (المدخل للقانون والالتزامات)، ألاسکندرية: دار المطبوعات الجامعية، ۱۹۹۸م.
۲۵. رملی، ابوالعباس، حاشیة الرملی، بی تا، بی نا، بی تا.
۲۶. زحیلی، وهبة بن مصطفى، التفسیر الوسیط، دمشق: دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۲۷ق - ۲۰۰۶م.
۲۷. زمخشری، محمود بن عمر، أساس البلاغة، القاهرة: دار و مطابع الشعب، ۱۹۶۰م.
۲۸. سعد، ابراهیم نبیل و محمد حسین منصور، مبادئ القانون المدخل الى القانون نظرية الالتزامات، بیروت: دار النهضة العربية، ۱۹۹۵م.
۲۹. سید رضی، محمد، نهج البلاغة، خطب الامام علی علیه السلام، تحقیق: صبحی صالح، چاپ اول، ۱۳۸۷ش.

٣٠. شبر، السيد عبدالله (المتوفى ١٢٤٢ق)، تفسير القرآن الكريم، تحقيق: الدكتور حامد حنفى داود، ناشر: السيد مرتضى الرضوى، چاپ الثالثة، ١٣٨٥ - ١٩٦٦م.
٣١. شربيني، محمد بن أحمد، الإقناع فى حل ألفاظ ابى شجاع، تحقيق: مكتب البحوث والدراسات، بيروت: دار الفكر، ١٤١٥ق.
٣٢. شربيني، محمد بن أحمد، مغنى المحتاج إلى معرفة معانى ألفاظ المنهاج، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ١٣٧٧ش.
٣٣. شفيعى، محمد، تأثير محيط زيست در انسان، قم: مؤسسه نشر اسلامى، ١٣٧٦ش.
٣٤. شوكانى، محمد بن على، نيل الأوطار من أحاديث سيد الأخيار، شرح منتقى الأخبار، بيروت: دارالجيل، ١٩٧٣م.
٣٥. شهيد ثانى، زين الدين بن على، الروضة البهية فى شرح اللمعة الدمشقية، تحقيق: سيد شهيد ثانى، زين الدين بن على، الفوائد الملية لشرح الرسالة النفلية، تحقيق: مركز الأبحاث الإسلامى، قم: مكتب الإعلام الإسلامى، چاپ اول، ١٤٢٠ق - ١٣٧٨ش.
٣٧. شهيد ثانى، زين الدين بن على، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، چاپ اول، ١٤١٣ق.
٣٨. صدر، سيد محمد، ما وراء الفقه، المحبين للطباعة والنشر، قم: چاپ سوم، ١٤٢٧ق - ٢٠٠٧م.
٣٩. صدوق، محمد بن على، علل الشرائع، تحقيق و تقديم: سيد محمد صادق بحر العلوم، نجف اشرف: منشورات المكتبة الحيدرية و مطبعتها، ١٣٨٥ق - ١٩٦٦م.
٤٠. صنعانى، عبد الرزاق بن همام (المتوفى ٢١١هـ)، المصنف، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمى، بيروت: دارالنشر: المكتب الإسلامى، الطبعة الثانية، ١٤٠٣ق.
٤١. طالبى، محمد حسين، درآمدی بر فلسفه حق، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ١٣٩٣ش.
٤٢. طباطبائى، محمد بن على، المناهل، بى نا، بى جا، بى تا.
٤٣. طباطبائى، سيد محمد حسين، الميزان فى تفسير القرآن، قم: جامعة مدرسين، چاپ پنجم، ١٤١٧ق.
٤٤. طباطبائى، قم: مكتبة فيروزآبادى، چاپ سوم، ١٤٠٢ق - ١٩٨٢م.
٤٥. طبرانى، سليمان بن أحمد، المعجم الأوسط، تحقيق: طارق بن عوض الله بن محمد و



- عبدالمحسن بن إبراهيم حسینی، قاهرة: دارالحرمين، ۱۴۱۵ق.
۴۶. طبرسی، الفضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، تحقیق: لجنة من العلماء والمحققين الأخصائيين، بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، الطبعة الأولى، ۱۴۱۵ق- ۱۹۹۵م.
۴۷. طبرسی، الفضل بن الحسن، تفسیر جوامع الجامع، تحقیق و نشر: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۴۸. طریحی، فخرالدين، مجمع البحرين، تحقیق: سيد أحمد حسینی، تهران: مرتضوی، ۱۳۶۲ش.
۴۹. طوسی، محمد بن الحسن، الاستبصار والاستبصار فيما اختلف من الأخبار، تحقیق و تعليق: السيد حسن الموسوی الخراسان، تهران: دار الكتب الإسلامية، چاپ الرابعة، ۱۳۶۳ش.
۵۰. طوسی، محمد بن الحسن، المبسوط فی فقه الإمامیة، تحقیق: سيد محمد تقی کشفی، انتشارات مرتضوی، ۱۳۸۷ش.
۵۱. عاملی، السيد محمد، نهأیه المرام، تحقیق: آغا مجتبی العراقي، علی پناه الاشتهادی، حسین الیزدی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، چاپ الأولى، ۱۴۱۳ق.
۵۲. عاملی، جعفر مرتضی (معاصر)، الصحيح من سیره الإمام علی (عليه السلام)، ناشر: ولاء المنتظر (عج)، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ الأولى، ۱۴۳۰ - ۱۳۸۸ق.
۵۳. عاملی، حر، محمد بن الحسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسة آل البيت (عليه السلام) لإحياء التراث، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
۵۴. فاضل الآبی، الحسن بن ابی طالب، کشف الرموز فی شرح المختصر النافع، تحقیق: علی پناه الاشتهادی، حسین الیزدی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، المشرفة، ۱۴۰۸ق.
۵۵. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الكبير أو مفاتيح الغیب، بی نا، بی تا.
۵۶. فراهیدی، الخلیل بن أحمد، کتاب العین، تحقیق: الدكتور مهدي المخزومي - الدكتور ابراهيم السامرائي، قم: مؤسسة دار الهجرة، چاپ الثانية، ۱۴۱۰.
۵۷. فیومی، أحمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بی تا.
۵۸. قرائتی، محسن، پرتوی از نور، تهران: مرکز فرهنگی درس های از قرآن، ۱۳۸۸ش.
۵۹. قرطبی، محمد بن أحمد، الجامع لأحكام القرآن، تحقیق و تصحیح: أحمد عبدالعليم البردوني، بيروت-لبنان: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۵ هـ - ۱۹۸۵م.

۶۰. فتح الله، احمد، (معاصر)، معجم ألفاظ الفقه الجعفري، چاپخانه: مطابع المدوخل - الدمام، چاپ اول، ۱۴۱۵ - ۱۹۹۵م.
۶۱. کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، ۱۳۸۰ش.
۶۲. کاشف الغطاء، محمدحسین، الفردوس الأعلى، تحقیق: سید محمدعلی قاضی، بی تا.
۶۳. کلانتر، محمد، منشورات جامعه النجف الدينية، قم: أمير، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۶۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی أكبر غفاری، تهران: دارالکتب الإسلامية، چاپ: پنجم، ۱۳۶۳ش.
۶۵. مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تحقیق: سید مرتضی عسکری، تهران: دارالکتب الإسلامية، تهران: چاپخانه مروی، چاپ الثانية، ۱۴۰۴ - ۱۳۶۳ش.
۶۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تحقیق: محمد الباقر البهبودی، بیروت: مؤسسه الوفاء، الثانية المصححة، ۱۴۰۳هـ - ۱۹۸۳م.
۶۷. مجلسی، محمد تقی، روضة المتقين فی شرح من لا یحضره الفقيه، محقق/مصحح: موسوی کرمانی، حسین و اشتهااردی علی پناه، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، ۱۴۰۶ق.
۶۸. مصباح یزدی، محمد تقی (معاصر)، حقوق و سیاست در قرآن، تهران: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ چهارم، ۱۳۹۱ش.
۶۹. مصطفوی، سید حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران: سال ۱۳۶۰ش.
۷۰. مغربی، القاضی النعمان (المتوفی ۳۶۳هـ)، دعائم الإسلام، تحقیق: آصف بن علی أصغر فیضی، ناشر: دار المعارف - القاهرة، ۱۳۸۳ - ۱۹۶۳ م
۷۱. مغنیه، محمد جواد (المتوفی ۱۴۰۰ق)، التفسیر الکاشف، ناشر: دار العلم للملایین - بیروت - لبنان، سال چاپ: آذار (مارس) ۱۹۸۱
۷۲. موحّد، محمد علی، در هوای حق و عدالت، از حقوق طبیعی تا حقوق بشر، نشر کارنامه، تهران: ۱۳۸۱.
۷۳. نبویان، محمود، صاحبان حق، قم: فصلنامه معرفت فلسفی، سال هفتم، شماره سوم، بهار ۸۹، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم.
۷۴. نووی، یحیی بن شرف، المجموع، دارالفکر، بی نا، بی تا
۷۵. هاشمی شاهرودی (و جمعی از پژوهشگران)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم السلام)،



- مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، قم: ۱۴۲۳ق
۷۶. یزدی، طباطبائی، سید محمدکاظم، حاشیه المکاسب، قم: مؤسسه إسماعیلیان، ۱۳۷۸ ش.
۷۷. صدوق، محمد بن علی (المتوفی ۳۸۱ق)، الخصال، تصحیح وتعلیق: علی أكبر الغفاری، قم: منشورات جماعة المدرسين، ۱۴۰۳ - ۱۳۶۲.
۷۸. ألبانی، محمد ناصر (المتوفی: ۱۴۲۰ هـ)، صحیح سنن ابی داود، الناشر: مؤسسة غراس، الكويت، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۳ هـ - ۲۰۰۲ م.
۷۹. بروجردی، حسین طباطبائی، جامع أحادیث الشيعة، قم: المطبعة العلمية، ۱۳۹۹ ش.
۸۰. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصية، قم: انصاریان، ۱۳۸۴ ش.
۸۱. أحسائی، ابن أبی جمهور، عوالی اللئالی، تحقیق: مجتبی العراقي، قم: سید الشهداء، چاپ الأولى، ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴ م.
۸۲. بیهقی، أحمد بن الحسین، سنن البیهقی الكبرى، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، مكة المكرمة: مكتبة دار الباز، ۱۴۱۴ - ۱۹۹۴ م.
۸۳. صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، تحقیق: علی أكبر الغفاری، قم: جامعه مدرسين حوزه علمیه، بی تا.
۸۴. حمیدی، عبد الله بن الزبیر، مسند الحمیدی، تحقیق: حسن سلیم أسد الدَّارانی، دمشق: دار السقا، الطبعة: الأولى، ۱۹۹۶ م.